

روزگار و آثار سعدی شیرازی در پژوهش خالق میرزازاده

اعظم خدای داداف (یزدان‌فر)*

چکیده

خالق میرزازاده از منتقدین و پژوهشگران بزرگ کشور تاجیکستان به‌شمار می‌آید. این اندیشمند از دوران نوجوانی با آثار سعدی به‌ویژه گلستان و بوستان انس گرفته است و در رهگذر مطالعه زندگانی شیخ اجل سعدی شیرازی و کاوش در آثار وی پژوهش‌هایی ارزنده درباره سعدی از خود به‌جای گذاشته است.

شایان ذکر است در تاجیکستان در رابطه با زندگی پر ماجرای سعدی و میراث ادبی این استاد سخن، پژوهش‌هایی ارزشمند صورت گرفته است که با رساله استاد صدرالدین عینی تحت عنوان «شیخ مصلح‌الدین شیرازی» آغاز یافته و با پژوهش‌های خالق میرزازاده امتداد می‌یابد.

مقاله پیش‌رو به بررسی دیدگاه‌های استاد خالق میرزازاده نسبت به زندگانی و آثار شیخ اجل سعدی شیرازی می‌پردازد و اندیشه‌های این پژوهشگر را به خوانندگان ایرانی عرضه می‌دارد.

کلیدواژه‌ها: شیخ سعدی شیرازی، خالق میرزازاده، صدرالدین عینی، ایران، فارس، تاجیک.

*. استاد دانشگاه آموزگاری تاجیکستان (صدرالدین عینی) دانشکده زبان و ادبیات فارسی - تاجیکی.
Salim_isoev@mail.ru

«در یونان، سقراط، در ایران، فردوسی و ناصر خسرو، در تاجیکستان، احمد دانش و خالق میرزازاده به فهمش فلسفی وطن و ملت رسیده بودند.» (بیگزاده، مه ۱۹۹۹)

با دید نو آموختن و به پژوهش کشیدن تاریخ ادبیات تاجیک و فارس در تاجیکستان با تذکره تاریخی «نمونه ادبیات تاجیک» استاد صدرالدین عینی (۱۹۲۶) آغاز شد. این اثر، به اختصار، تاریخ بیش از هزار ساله تاجیک را در آسیای مرکزی فرا گرفته است.

شایان ذکر است که سال‌های بیستم و سی‌ام قرن بیستم، دشمنان ملت تاجیک - پان‌ترکیسم در مسائل تقسیمات حدود ملی، منسوبیت اهل علم و ادب تاجیک به این یا آن قوم و ملت تأثیر گذاشته بودند. استاد عینی در سال‌های ۱۹۲۶-۱۹۲۴ در مطبوعات آن روز ضد چنین افکار و رفتار نادرست یک سلسله مقاله‌های ارزشمند، مانند «قوم تاجیک و روزنامه»، «قابلیت تشکیلاتی در تاجیکان»، «کتاب‌های تاجیکی» و به‌ویژه با تذکره «نمونه ادبیات تاجیک» اثبات کرد که تاجیک‌ها مانند ملت بومی در ورارود بودند، هستند و تاریخ و فرهنگ ملی بای (= والا) دارند.

استاد ص. عینی در *نمونه ادبیات تاجیک* در مسئله مناسب میراث ادبی، ترغیب آثار کلاسیک، تشویق جوانان در پژوهش آثار معنوی ملت در شرایط پیچیده اواخر سال‌های قرن بیستم، به‌ویژه موفق کرده، نوشته بود که «هرچه باشد، آسان بود یا مشکل، نیک بود یا بد» مواد و مطالب مهم در یک جا غن (گردآوری) شد (نشر *نمونه ادبیات تاجیک* را در نظر دارد- ا.ی.). از این نمونه‌ها فایده برده... نوشتن تاریخ ادبیات، کتاب ادبیات پدیدآوردن، به عبارت دیگر، این موضوع را چنان که باید و شاید تدوین و تکمیل کردن خدمت جوانان فعال را می‌طلبد. ما گوشت، روغن، برنج، سبزی، پیاز و سایر مواد لازم آش را آماده کردیم، اکنون جوان قابلی در کار است تا که قابله‌پزی کند. (عینی، ۱۹۲۶ م.)

این اندیشه استاد برای ادبیات‌شناسان آینده تاجیک یک دستور راهنما شد. این است که پژوهش و آموزش جنبه‌های گوناگون ادبیات کلاسیکی فارسی و تاجیک و روندهای ادبی، پژوهش آثار چهره‌های علمی و ادبی بی‌واسطه، زیر تأثیر مکتب علمی و ادبی استاد عینی و مکتب خاورشناسی روس به‌وجود آمد.

در سال‌های سی‌ام و چهل‌م عده‌ای جوانان لایق، مانند ع. میرزایف، ل. بزرگ‌زاده، ش. حسین‌زاده، خ. میرزازاده و کمی بعدتر ن. معصومی، م. شکوری، ص. تبراف به میدان ادبیات وارد شدند که هر یک بعدتر مکتب ادبیات‌شناسی خود را به‌وجود آوردند و بر مسائل مهم تاریخ ادبیات فارسی و تاجیک، نظریه ادبیات، نقد ادبی و متن‌شناسی و سایر علوم مربوط به سخن‌شناسی فارسی و تاجیک تأثیر سزاوار گذاشتند.

در این سال‌ها، یعنی در آستانه برقرار و مستحکم شدن جمهوری تاجیکستان، ایشان در آماده‌کردن برنامه‌های تعلیمی برای مدارس و دانشگاه‌ها، تهیه کتاب‌های درسی، دستورها و به‌ویژه پژوهش در آثار چهره‌های ادبی، رویه و روندها در ادبیات سهم داشتند، رساله و آثار پرمتن‌های ارزشمند انشا کرده، منظور اهل علم و ادب و طالبان علم ساخته‌اند.

در ادبیات‌شناسی تاجیک، درباره زندگی پرماجرایی سعدی تحقیقات ارزشمندی انجام گرفته و اثر و رساله‌های گرانقدری تألیف شده‌اند. بررسی علمی آثار شاعر اساساً با دو راه انجام شده است: پژوهش و آموزش.

اولاً پژوهش آثار سعدی، مانند آموزگار و تربیت‌گر مورد آموزش قرار گرفته است که به این مسائل عقاید آموزگاری شیخ سعدی درباره تشکل و انکشاف شخصیت، گوهردوستی در آثار سعدی، مسائل تربیتی انسان در محیط راستان و از گلستان و بوستان را داخل کردن ممکن است.

پژوهش زندگی‌نامه و میراث ادبی استاد سخن، سعدی شیرازی، در سخن‌شناسی نوین تاجیکی با رساله استاد عینی «شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی» آغاز شده است. استاد عینی از روی معلومات تذکره خزانه عامره و روضة‌الصفای می‌خواند، همچنین اسناد آثار خود شاعر، یعنی از روی کلیات سعدی، بوستان و گلستان به زمان سعدی، زندگی‌نامه، فعالیت ادبی شاعر، سعدی و شکل شعری فارسی - تاجیک، موقع نثر در آثار او، هجو و مطایبه در آثار شاعر، سعدی مانند شاعر واقع‌بین (رنالیست)، پند و حکمت در آثار سعدی دقت مخصوص داشت، آنها را از روزنه چشم و دل می‌گذراند و با همین، بنیاد سعدی‌شناسی را می‌گذارد. به‌طوری‌که رحیم هاشم در خاطراتش ذکر کرده است: استاد، پیش از همه،

آثار شیخ را در جست‌وجوی اشاره‌ها عاید به حیات و سرگذشت‌هایش خیلی بادقت از نظر گذرانده، لحظه‌های عاید به حیات وی را نکته‌سنجانه مورد مطالعه قرار داده، به ترجمه‌ی حال او نکته‌های مهم اضافه کرده است.

در سعدی‌شناسی، به‌طور کلی، نقش نوشته‌های عالمان تاجیک: ش. حسین‌زاده، ع. میرزایف، خ. میرزازاده، ن. معصومی، و. اسراری، ع. دهاتی، خ. شریف‌اف، ر. مسلمانیان، ن. قهاراوا، ج. عزیزقول‌اف، و. صمد، شاکر مختار، سلام نوریان برونی، گو نورالدین‌اف، ن. عرب‌زاده و از خاورشناسان روس و آذری، گرجی و ارمنی و ازبک و. بارتولد، ا. برتلس، ا. براگینسکی، ا. بالدیراف، و. علی‌یف، ا. علی‌زاده، س. نظرنیس، و. رحمان‌اف، ک. چیکین، ش. محمداف، ر. سلطان‌اف، ن. کامل‌اف، ح. حمیداف و دیگران قابل توجه بوده و جنبه‌های گوناگون آثار سعدی را (هرچند پژوهش‌ها یکسان نیستند) مورد آموزش قرار داده‌اند.

در آموزش، پژوهش و ترغیب و معرفی سعدی، خدمت یکی از بنیادگذاران علم ادبیات‌شناسی تاجیک، پروفیسور خالق میرزازاده بزرگ است. «اگر گوئیم که هر یک تاجیک باسواد- نوشته است پروفیسور روانشاد اعلاخان افصح‌زاده- به واسطه‌ای به خالق میرزازاده نسبت شاگردی دارد، خطا نخواهیم کرد.» (افصح‌زاد، مجله‌ی مکتب ساویتی، ۱۹). ادبیات‌شناس دیگر ولی صمد نوشته است که «ما سخن حق گفتن را از استاد خالق میرزازاده آموخته‌ایم.» (صمد، ۱۹۶۹).

به‌راستی استاد خ. میرزازاده یکی از اولین مؤلفان کتاب‌های درسی ادبیات تاجیک برای صنف‌های (کلاس‌های) ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰ و منتخبات ادبیات برای صنف‌های ۵، ۸، ۹ محسوب می‌شود، بعد از گردآوردن معلومات مشخص و جالب از روی سرچشمه و منابع، تذکره و آثار تاریخی و نوشته‌های خود ادبا با توجه به شرح حال، میراث ادبی ایشان، جهانبینی آنها را در دایره‌ی اندیشه و افکار خویش تحلیل، و پس از آن به خواننده پیشکش می‌کرد. ملاحظه و خلاصه‌ی استاد عاید به شرح حال و میراث باقیمانده‌ی استاد رودکی، نقش فردوسی و شاهنامه‌ی او در ادبیات فارسی، میراث علمی و ادبی ابوعلی سینا و ناصر خسرو، تأثیر نوشته‌های شعرای متصوف، به‌ویژه رومی و عطار به ادبیات سده‌های بعد، آگاهی‌های مربوط به خمسّه

نظامی، مقام شیخ سعدی به‌عنوان استاد غزل، اندیشه‌های اجتماعی حافظ و کمال، اندیشه‌ها عاید احوال و آثار و جهان‌بینی احمد دانش و شاهین، عجزی و میرزا سراج، همچنین پژوهش‌های جدی استاد عاید به رویه و روند رندی در ادبیات تاجیک، رویه‌ اسماعیلیه و به‌ویژه ادبیات جدید تاجیک در ابتدای سده بیستم در ادبیات‌شناسی تاجیک، سخن تازه محسوب می‌شوند.

استاد خ. میرزازاده از زمانی که خواندن و نوشتن را یاد گرفت، با آثار سعدی، به‌ویژه *گلستان* و *بوستان* سعدی پیوند ناگسستنی یافت. او در یادداشت‌های خود در این‌باره نوشته است که طی چند سال در مکتب ابتدایی کهنه خواندندم (اندیشه‌های استاد مضموناً) (مختصر) آورده می‌شوند- ا.ی.) به غیر از هفت یک و چهار کتاب به آثار پندآموز سعدی *گلستان* و *بوستان* توسط نقل‌های بی‌بی و پدرم که به ادبیات کلاسیکی به‌ویژه غزلیات حافظ و آثار سعدی که حتی بسیار پارچه‌های نثری و نظمی را از اشعار آنها از یاد می‌گفتند، مهر پیدا کردم. پس معلوم می‌شود که غزلیات شورانگیز حافظ، پند و حکمت زندگی‌بخش سعدی و کلاسیک‌های تاجیک در نهاد و فطرت میرزازاده ازلی بوده، آن را بعدها هنگام تحصیل در مکاتب میانه شوروی، ایام دانشجویی در دانشگاه و دوره فوق‌لیسانس صیقل و انکشاف داده است.

استاد میرزازاده درباره شرح حال، میراث ادبی، شهرت جهانی مقام و منزلت سعدی و آثار او در مقاله‌ها، گزارش و سخنرانی‌ها و رساله‌های علمی و کتاب‌های درسی خویش اندیشه‌های تازه و مهمی بیان کرده است.

از فهرست ترجمه حال خ. میرزازاده (۱۹۸۹) معلوم می‌شود که او پیش از همه برای وارد کردن موضوع سعدی در برنامه‌های مکتب میانه نقش مهم داشته است؛ زیرا در بین اهل علم و ادب غیر تاجیک، به‌ویژه خاورشناسان خارجی با عیب بعضی گروه‌های افراط‌کار سعدی و حافظ و سایر شاعرانی که در ایران به دنیا آمده‌اند، ایجاد کرده‌اند به ایرانیان منسوب دانسته به هر وسیله نمی‌خواستند که ایجادیات آنها به برنامه و کتاب‌های درسی و خوانش تاجیکی وارد شود. نسبت این مسئله از یک ملاحظه استاد عینی نیز که سال ۱۹۴۵ به سرسخن

بوستان علاوه شده است (این علاوه در رساله «شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی» و نشر اول بوستان که عیناً رساله‌ای فوق‌الذکر همچون سرسخن به نشر اول و دوم «بوسان» داخل شده است، موجود نیست) قابل درک است. او نوشته است که «در آخر کتاب همین را قید کردن لازم است که بعضی شرق‌شناسان راضی نمی‌شوند که سعدی شاعر فارس و تاجیک نامیده شود. آنها سعدی را در انحصار ایران می‌خواهند. آنها می‌ترسند مبادا آن نظریه استادهاشان (شاید پان‌ترکیست‌ها و پان‌اسلامیست‌ها را در نظر داشته باشند- ا.ی.) که به اساس آن «نظریه» همه کلاسیکان تا قرن ۱۶ گذشته فارس و تاجیک (حتی آنهايي هم که مثل رودکی و ناصر خسرو در ورارود رسیده‌اند) به انحصار ایران داده می‌شدند، ویران شود. اما خود سعدی از شاعر فارس و تاجیک بودن نمی‌ترسید، بلکه «بی‌ابا» خود را تاجیک می‌شمارد. سبب آن است که او در میان فارس و تاجیک هیچ فرقی نمی‌گذاشت.

چنانچه او در یک بند از ترجیع‌بند خود که با مصرع «گفتار خوش و لبان باریک» شروع می‌شود، بعد از به محبوب با یک دو مصرع عربی «تو مرا با شمشیر کشتی» نوشته است:

از بهر خدا که مالکان جور چندان نکنند بر ممالک...
شاید که به پادشه بگویند ترک تو بریخت خون تاجیک...

بنابراین ما هم سعدی را شاعر و نویسنده تاجیک و یکی از استادان گذشته خود می‌شماریم

و از وی می‌آموزیم^(۷). (سعدی، ۱۹۶۱)

این بود که در برنامه‌های تعلیمی مکاتب میانه (از سال ۱۹۳۷) با کوشش، زحمت و فداکاری‌های میرزازاده و هم‌مسئولانش، موضوع سعدی و حافظ داخل شده تا به امروز به آموزش آثار ایشان ساعت‌های تدریسی زیادی اختصاص یافته است. در آن سال‌ها (از سال ۱۹۳۷ تا وفات استالین، اوج کشتار و تبعید بود) نه هرکس نیرو و توان به میان گذاشتن مسائل ملی و به خلق تاجیک نیز منسوب بودن سعدی و حافظ و دیگر کلاسیک‌ها را داشت. خ. میرزازاده توسط دانش غنی و اندیشه و اسناد قاطع خود توانست موضوع سعدی و حافظ و مسائل دیگر مربوط به ادبیات تاجیک را به برنامه‌های تدریسی و کتاب‌های درسی و خوانش وارد سازد.

مقاله بسیار پرمحتوا و ارزشمند استاد میرزازاده با نام «شیخ سعدی» (۱۹۵۶) چون مواد یاری‌رسان برای استادان و خوانندگان مکاتب میانه انشا شده در روزنامه *Pioneer* سال ۱۹۵۸ چاپ شده است. مقاله شرح مختصر زندگی‌نامه و نامگوی ناپره (= ناکامل) آثار سعدی، اینچنین تحلیل چندحکایه از *گلستان* را فرا گرفته است.

مقاله دیگر استاد میرزازاده با نام «گلستان ۷۰۰ ساله شد» (۱۹۵۸: ۱۶-۱۷) اساساً به مسئله نقش تعلیم و تربیه در نهاد جوانان، مقام پند و اندرزهای سعدی برای کودکان و خوانندگان مکتب‌های میانه بخشیده شده است. به‌طور اجمال شرح حال شاعر و دانشمند در مقاله بررسی شده از *گلستان* چند حکایت پندآموز سعدی تحلیل شده است.

استاد خ. میرزازاده در مقاله «گلستان همیشه بهار» (۱۹۵۸-۲۱) که در روزنامه «کامسامول تاجیکستان» به چاپ رسیده است، از بزرگی شیخ سعدی سخن گفته و نقش *گلستان* را در تربیت نسل نوری ذکر کرده است و تأکید کرده که این کتاب دوست‌داشتنی‌ترین اثر مورد علاقه مردم تاجیک است. به خوانندگان توصیه کرده است که از این اثر پند و حکمت به‌طور فراوان استفاده برند.

خ. میرزازاده در کتاب *منتخبات* برای صنف‌های ۵ و ۸ (۱۹۶۱) در موضوع سعدی شیرازی، متن‌هایی را انتخاب کرده است که واقعاً از لحاظ مضمون و محتوا و به‌غایت متناسب با زمان، به درک خوانندگان این صنف‌ها سازگار افتاده است. از انتخاب حکایات و پاره‌های شعری آورده‌شده، معلوم می‌شود که آن متن‌ها با وجود یک نوع زمانه‌سازی تهیه‌گر، از دردهای جامعه آن روز نیز آگهی می‌دهد.

اندیشه و خلاصه‌های خ. میرزازاده عاید به شیخ سعدی در کتاب *تدریسی تاریخ ادبیات تاجیک* (۱۹۷۷) به‌نوعی جمع‌بندی شده است.

خ. میرزازاده در این بخش که محتوای رساله علی‌حده را می‌ماند، عاید به ترجمه حال، میراث ادبی، جهان‌بینی، عقاید اجتماعی، تنقید روحانیان، عقیده‌های انسان‌دوستی، پند و حکمت، توصیف عشق و جوانی، مثنوی، بوستان، *گلستان* و ترکیب آن، غزلیات شاعر، رئالیسم در ایجادیات سعدی، موقع هجو و مطایبه در ایجادیات نویسنده، زبان و اسلوب

گلستان و بوستان را به دایره اندیشه‌های خویش کشیده، هر یک از این موضوعها را پره (=کامل) تحلیل کرده است.

همان‌گونه که اشاره شد، در سعدی‌شناسی تاجیک، خ. میرزازاده، اندیشه و عقاید استاد عینی را از یک طرف انکشاف داده است، از سوی دیگر، آن اندیشه و مسائلی که ص. عینی به آن اشاره کرده و آنها را به دوش پژوهشگران بعدی گذاشته بود، بررسی کرده است. وابسته به گزارش مسئله اینجا از یک اندیشه خ. میرزازاده که در سال ۱۹۵۳ در مقاله «ملاحظه‌ها درباره گیاه‌های اساسی ادبیات تا انقلابی تاجیک» (۱۹۸۲) به میان گذاشته بود، یادآور می‌شویم: او نوشته است:

...حالا وقت آن رسیده است که ادبیات‌شناسی ما دربرابر تدقیقات حیات و ایجادیات نمایندگان جداگانه ادبیات کلاسیکی از متن‌شناسی، سرچشمه‌کابی و نسخه‌بینی به محاکمه مسائل و قوانین عمومی انکشاف ادبیات تاجیک، به نوشتن تاریخ چندجلده ادبیات‌شناسی آغاز نمایند.

ادبیات‌شناسان تاجیک در راه ایجاد این وظیفه مهم با مباحثه و مناظره‌های علمی ایجادیی تشکیل دهند، مسائل مهم تاریخ ادبیات تاجیک و مسئله‌های جداگانه آن را جسورانه به میان گذارند و حل کنند. زیرا هریک فن بی‌ملاحظه افکار، بدون مباحثه و مناظره‌های ایجادیی پیش نمی‌رود. (میرزازاده، ۱۹۸۲)

استاد با متانت و شجاعت به حل قضیه‌های مطرح‌شده کمر بست. بعد از سال‌های شصت قرن بیستم، چند جلد اثر ادبیات‌شناسی آفریدند که در آن اندیشه‌های مذکور عملی شده‌اند. همچنین در کتاب‌های درسی مکاتب میانه و عالی نیز ضمن تحلیل آثار شعرا و نویسندگان کلاسیک، جای‌جای این اندیشه‌ها بررسی شده‌اند، مثلاً هنگام پژوهش «جهان‌بینی سعدی» (میرزازاده، ۱۹۷۷: ۶۶)، به مسئله‌ای مهم، یعنی مسلمان ثابت‌قدم تأکید کرده و نوشته است که سعدی، سیستم یگانه عقیده‌های فلسفی، اجتماعی و اخلاقی ندارد و بابت این مسئله‌ها بی‌واسطه محاکمه نرانده است... در عقیده فلسفی مسلمان ثابت‌قدم و در موقع فلسفه‌ای «کلام» است. سعدی همچون پیرو فلسفه کلام به عقیده زنده‌گردانیدن بعد از میرانیدن «باور دارد» (همان).

این قضیه، هرچند در فلسفه نو وجود ندارد، در ارتباط با اندیشه و آمال شاعر آن را

در میان گذاشتن بررسی کردن، در کل ملاحظه نو است. خ. میرزازاده درباره جهان بینی سعدی و یکسان کردن آنها اندیشه هایشان را دوام داده، می نویسد:

... هیچ گاه سعدی را شخص تنها صوفی گفتن ممکن نیست، زیرا سیستم فلسفی تصوف (وحدت وجود) زنده گردانیدن بعد میرانیدن را اعتراف نمی کند. از بس که سعدی فرزند زمان خود است، از تأثیر بعضی عنصرهای تصوف، از قبیل قناعت، که در بوستان و گلستان ذکر شده است، بیرون بوده نمی تواند... (همان)

خلاصه، اندیشه های استاد زنده یاد خ. میرزازاده در باره غایت اساسی عامه زحمت کش و ادبیات خلقی که غایت دهقانی عدالت خواهی است و این مسئله را در چندین مقاله و رساله هایش به میان گذاشته بود، در فصل سعدی شیرازی کتاب مذکور انکشاف یافته است. استاد اینجا تأکید می کند که اساس ادبیات میل های خلقی را حمایت گرم و جوشان منفعت دهاقین، هنرمندان، اهل علم و ادب و به ویژه طلب های علم دوستی، خلق پروری، وطن دوستی، عدالت خواهی و عدالت پروری تشکیل می دهد. همین جهت مسئله را در آثار سعدی با مسئله های مشخص به پژوهش کشیدن استاد خ. میرزازاده در ادبیات شناسی تاجیک قضیه ای نو محسوب می شود که استفاده جدی آن برای به طور علمی نوشتن و به وجود آوردن تاریخ کامل ادبیات فارسی تاجیکی باعث می شود و سیمای این دانشمند بی نظیر تاجیک را برای ما و بازآیندگان درخشان به جلوه می آورد.

کتابنامه

- افصح زاد. «درباره استاد میرزازاده»، مجله مکتب ساویتی، ۱۹.
- بیکزاده، کامل. مه ۱۹۹۹. «فلسفه وطن دوستی و ملت پرستی در جهان امروزه»، روزنامه جنبش، ش ۴۴. سعدی شیرازی. ۱۹۶۱. بوستان.
- صمد، و. ۳ ژانویه ۱۹۶۹. «مرد صاحب دل شرح علمی درباره خ. میرزازاده»، کامسامول تاجیکستان، ش ۲. عینی، ص. ۱۹۲۶. نمونه ادبیات تاجیک. مسکو
- _____. ۱۹۴۲. شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی. استالین آباد: نشریات دولتی تاجیکستان.
- میرزازاده، خ. ۱۹۵۶. «شیخ سعدی»، روزنامه Pioneer، ش ۲.
- _____. ۱۹۵۸. «گلستان ۷۰۰ ساله شد»، مجله وصیت نین، ش ۲.

- _____ . ۲۱ مه ۱۹۵۸. «گلستان همیشه بهار»، روزنامه کامسامول تاجیکستان.
- _____ . ۱۹۶۱. منتخبات برای صنف ۸. دوشنبه.
- _____ . ۱۹۷۷. تاریخ ادبیات تاجیک (قرن‌های ۱۵-۱۳). کتاب دوم. دوشنبه: معارف.
- _____ . ۱۹۸۲. «ملاحظه‌ها درباره غایه‌های اساسی ادبیات تا انقلابی تاجیک» در کتاب/فکار رنگین،
دوشنبه: عرفان.
- _____ . ۱۹۸۹۰. فهرست ترجمه حالی. ترتیب‌دهنده ملکه نصرالدین اوا. دوشنبه: عرفان.